هتک حیثیت رقیب شغلی

فضای مجازی بستر تسویه حساب شخصی کارمندان یک اداره شد

مهدی قرآنی

زن جوان با در دست داشتن مرجوعه قضایی به پلیس فتای مرکز استان خراسان رضوی مراجعه و علیه فردی ناشناش شکایت کرد.
تیم بررسی کننده در پیگیری پرونده زن شاکی دریافت که از چندی پیش فردی ناشناس با نسبت دادن مطالبی کذب و غیر اخلاقی به این فرد در بستر اینستاگرام برای او مزاحمت ایجاد کرده و آبروی این فرد را برده است. فرد هتاک علاوه بر این به صورت پیامکی نیز مطالبی تهدیدآمیز را نیز برای شاکی ارسال می کرده است.
شاکی در پاسخ به افسر تحقیق پرونده اش مبنی بر اینکه آیا به کسی مظنون است، گفت که به شخص خاصی مشکوک نیست. عوامل تحقیقات این پرونده با استفاده از داده های موجود و مهندسی و رصد فضای مجازی ردی از متهم را که عامل هتک حیثیت شاکی شده بود در یکی از مناطق مشهد گرفتند و در اقدامی اطلاعاتی او را شناسایی کردند.
متهم زنی جوان است که در رویارویی با مأموران منکر بزه انتسابی شد و ادعا کرد هیچ خطایی از وی سر نزده است. با وجود اینکه اطلاعات به دست آمده نشان از نقش داشتن این زن در پرونده هتک حیثیت شاکی داشت، خودش منکر هرگونه اقدام مجرمانه ای بود تا اینکه معمای این پرونده با رویارویی شاکی و مظنون برملا شد.
بعد از انتقال مظنون به مرکز فرماندهی پلیس فتای استان و رویارویی او با شاکی مشخص شد که آن ها در یکی از ادارات مشهد همکار هستند. متهم که دیگر حنای انکارهایش برای قانون رنگی نداشت راز مجرمانه خود را فاش کرد و به ناچار لب به بیان حقیقت گشود.
رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی در تشریح دیگر ابعاد این پرونده گفت: متهم در اظهاراتش به افسر تحقیق این پرونده گفت که مدتی قبل جایگاه شغلی ای که در انتظارش بوده و امید داشته است که به وی پیشنهاد بشود به همکار او داده شده است. از این رو ارتقای شغلی همکار متهم شعله انتقام جویی او را بر می انگیزد و وادارش می کند تا در بستر فضای مجازی دست به هتک حیثیت همکارش بزند.
متهم علاوه بر نسبت دادن مطالبی غیر اخلاقی به همکارش از طریق ارسال پیامک های توهین آمیز و حاوی تهدید به صورت شبانه روزی برای او مزاحمت ایجاد می کرده است.
سرهنگ جهانشیری افزود: متهم با این خیال که ردی از اقدام مجرمانه او در بستر فضای مجازی باقی نمی ماند، دست به این تسویه حساب شخصی زده است


عکس تزئینی است

ولازم به ذکر است که هرگونه اقدام و رفتاری در فضای مجازی قابل رصد و پیگیری است.
این مقام ارشد پلیس فتای استان خراسان رضوی ادامه داد: متهم که از این اقدام خود سخت پشیمان بود پس از تکمیل تحقیقات اولیه برای تعیین تکلیف قانونی به دادسرا معرفی شد.
سرهنگ جهانشیری با اشاره به ارتکاب این گونه جرائم مجازی به شهروندان هشدار داد و گفت: کاربران فضای مجازی توجه داشته باشند که به هیچ وجه اختلافات شخصی و کاری خود را به فضای مجازی نکشانند و موضوع را از طریق راه حل های صحیح همچون گفت وگو حل و فصل کنند. لازم به ذکر است که هرگونه اقدامی در بستر فضای مجازی از جمله توهین، تهدید، نشر اکاذیب و... از مصادیق جرم است و پیگرد قانونی خواهد داشت؛ لذا رعایت اخلاق در فضای سایبری و به خصوص شبکه های اجتماعی امری اجتناب ناپذیر است.
سرهنگ جهانشیری در پایان بیان کرد: پلیس فتا به صورت شبانه روزی آماده پاسخگویی به شهروندان است و کاربران فضای مجازی می توانند در صورت رویارویی با هر مورد مشکوکی موضوع را از طریق سایت پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir بخش گزارش های مردمی یا با شماره گیری ۰۹۶۳۸۰ گزارش دهند.

عملیات مقتدرانه معراجی‌ها در بولوار توس



خبر

سهیل دیبا | مأموران کلانتری معراج مشهد در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی به صورت غافلگیرانه بخش هایی از بولوار توس مشهد را از لوث سارقان و خرده فروشان مواد مخدر پاک سازی کردند.
عملیات غافلگیرانه پلیس به مدت ۴۸ ساعت در مناطق از پیش تعیین شده با حضور مردان قانون در مناطق آلوده به منظور دستگیری سارقان خیابانی و خرده فروشان مواد مخدر اجرا شد. در این طرح افسران کلانتری معراج در جست و جوی چندین متهم به سرقت توانستند ۹ سارق حرفه ای را شناسایی و دستگیر کنند. افراد دستگیر شده به چندین سرقت وسایل خانه، محتویات و قطعات خودرو، دو دستگاه خودرو و سه دستگاه موتورسیکلت مسروقه اعتراف کردند که در بازرسی از مخفیگاهشان قسمتی از لوازم سرقتی کشف و فهرست اقلام نیز ضمیمه پرونده این متهمان شد. در ادامه نیز مأموران توانستند راز سیاه هفت خرده فروش مواد مخدر در این مناطق را برملا کنند و این افراد را پس از شناسایی دستگیر کنند. از این افراد نیز یک کیلو و ۵۰ گرم انواع مواد مخدر صنعتی و سنتی بسته بندی شده و آماده توزیع به همراه آلات و ادوات استعمال و توزین مواد افیونی کشف شد. سرهنگ دهقان پور، فرمانده انتظامی مشهد، بر استمرار طرح های پاک سازی در مناطق آلوده و برخورد جدی پلیس با سارقان خیابانی و خرده فروشان مواد افیونی تأکید کرد و گفت: متهمان دستگیر شده پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

بلعیدن غذاهای رستوران با رسیدهای جعلی



خبر

ابوعطا | ظاهرا مهمانی داشتند و غذایشان را به یکی از رستوران های بنام مشهد سفارش داده بودند. این افراد پس از دریافت غذاها، مبلغ را به صورت اینترنتی به شماره کارتی که متصدی رستوران اعلام کرده بود، واریز کردند و رسید پرداخت را نیز به پیک نشان دادند. ساعتی بعد با بررسی های انجام شده مشخص شد که اصلا چنین مبلغی به حساب رستوران واریز نشده و پیگیری متصدیان رستوران نیز بی نتیجه ماند، زیرا آدرس اعلام شده نیز جعلی بود. تکرار این شگرد شیادانه و شکایت چند نفر به پلیس موجب ورود گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به پرونده شد.
بررسی های اولیه نشان می داد سفارش دهندگان با سوءاستفاده از نرم افزارهای رسیدساز جعلی اقدام به این کلاهبرداری ها کرده اند و احتمال افزایش تعداد شاکیان نیز وجود داشت.
کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی خراسان رضوی، با اشراف اطلاعاتی و تحقیقات گسترده میدانی دو متهم را در این زمینه شناسایی و دستگیر کردند.
به گفته سرهنگ جواد شفیعی، رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی، تاکنون هشت شاکی در این خصوص شناسایی شده اند. متهمان نیز پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

اخبار جهان

۵ کشته در سیل ویرانگر

کلمبیا - صدا و سیما/ بارندگی شدید، سیل و در نهایت رانش زمین در مناطق مختلف کلمبیا موجب جان باختن سه دانش آموز و دو فرد بزرگ سال شد. سیل مشکلات زیادی در مناطق شمالی و غربی کلمبیا برای مردم به وجود آورده است. سیل علاوه بر تخریب کامل یک مدرسه ابتدایی به راه ها و جاده ها نیز خسارت زده است.

۳۰۰ هکتار زمین خاکستر شد

فرانسه - ایرنا/ وقوع آتش سوزی در نزدیکی راه آهن در منطقه ای در جنوب فرانسه علاوه بر سوزاندن سیصد هکتار زمین، در حرکت قطارهای منطقه نیز اختلال ایجاد کرد. برای مهار این حریق ۹۴۰ آتش نشان بسیج شدند و بعد چند ساعت عملیات اطفایی این آتش سوزی گسترده فرونشانده شد. هنوز علت این حادثه اعلام نشده است.

نیروگاه برق در اراضی اشغالی سوخت



فلسطین اشغالی - فارس/ یکی از نیروگاه های برق جنوب شرق فلسطین اشغالی طعمه حریقی مهیب شد. این حادثه در منطقه نأوت حوفاف در جنوب شرق اراضی اشغالی رخ داد که ده ها ماشین آتش نشانی برای اطفای حریق به محل اعزام شدند. هنوز درباره تلفات احتمالی این حادثه هولناک چیزی گزارش نشده است.

کشف حشره ۱۶۰ میلیون ساله



چین - رکنا/ فسیل ۱۶۰ میلیون ساله یک حشره در چین کشف شد. این گونه از انواع حشرات آبزی است که بنا بر بقایای به جامانده، این حشره غول پیکر تعدادی از تخم های خود را روی پای خود حمل می کرده است.

عکس خبری

آتش نشانان یک مرکز درمانی را احیا کردند









ابوعطا | براساس نظر کارشناسان هواشناسی، این هفته مشهد با گرم ترین هفته سال روبه رو می شود. این یعنی احتمال آتش سوزی های بیشتر با چاشنی گرما به خصوص در حوزه تاسیسات برق ساختمان ها؛ مانند حادثه ای که دیروز مسئولان یک مرکز درمانی در خیابان کوهسنگی را دچار مخمصه کرد. با مشاهده دود از دل این مرکز درمانی، بلافاصله موضوع به آتش نشانان مشهدی اعلام شد و با توجه به حساسیت حادثه و در خطر بودن جان بیماران، بلافاصله آتش نشانان و نجاتگران از ۶ ایستگاه به همراه دو دستگاه خودرو و نردبان و تهویه هوا (توربوفن) به محل حادثه اعزام شدند. آتش سوزی در قسمت داکت برق یکی از اتاق های این مجموعه درمانی رخ داده بود که مهار و از سرایت آتش به داخل بخش های بستری بیماران جلوگیری شد. با توجه به دود گرفتگی برخی طبقات، آتش نشانان اقدام به تهویه هوا کردند. در این حادثه به کسی آسیب نرسید.

داستان جنایی

دیدار (قسمت اول)

ایلیا موسایی | مرد گفت: «عزیز من، نبین اینجا با هات قرار گذاشته م، تازه قراره دوران لاکچری بازیت شروع بشه. دفعه بعد حتما روعرشه ها وانا میتینگ داریم.» من از پشت شیشه های کافه به بادی نگاه می کردم که از ظهر مشغول روفتن خیابان ها و پیاده روها بود. گفتم: «قراره تا ها وانا هم بریم؟» مرد گفت: «کامان! این ها وانا با اون ها وانا فرق داره... وایت ها وانا معروف ترین کشتی دنیاست. همه سردسته ها اونجا میتینگ می ذارن. قراره پول پارو کنیم.» -«حالا ها وانا مال کدوم کشوره؟» گفت: «کشتی رو می گی یا شهرش رو؟» گفتم: «شهرش... یهو همین جوری کنجکاو شدم.» گفت: «باید یه چیزی نشونت بدم. الان برام معلوم شد چرا هنوز پیشرفت نکردی. من از ها وانایی گفتم که کلی آدم لاکچری و خرپول سوارش می شن ولی تو حواست به اینه معلوماتت رو برای حل کردن جدول بالا ببری!» بعد دکمه سرآستینش را باز کرد و هم زمان آستین کت و پیراهن سفید دیپلماتش را کشید بالا. آن وقت بود که توانستم ساعد دستش را ببینم؛ زخم ها و شکاف های بی شماری که گوشت آورده بودند و مثل رد جوش روی فلزات به نظر می رسید. گفت: «من آدم خوبی نبودم. همه اش دنبال شر و خلاف و این چیزا... ولی وقتی سهم ارثمو از خونه بابام گرفتم، یهو تقی به توقی خورد و خدا یک نفر رو جلو راهم سبز کرد. قراره رو عرشه ها وانا با همون ملاقات کنی. می برمت دیدنش. همون آدم باعث شد من متحول بشم. منو از روی موتور هوندا کشید پایین و ببین الان چی دارم سوار می شم.» همان ساعد پر از خط و خر بدر که رد قمه ها و چاقوهای دعوا را داشت، حالا به پشت شیشه اشاره می کرد که از این طرف اسم درشت کافه روی آن برعکس دیده می شد. یک ماشین درشت هیکل نقره ای آنجا پارک شده بود که اسمش را نمی دانستم. نشان ها و زه استیل براقش چنان می درخشید که فکر کردم حتما تازه از کارواش آمده بیرون. گفت: «شانس بهت رو آورده. اول از همه هم باید انگلیسیت رو قوی کنی.» من نوشیدنی ام را هم زدم که هرچه بیشتر می گذشت، رقیق تر می شد و قطره های روی جداره لیوان دراز، می رسیدند به پیشدستی سفید که دستمال کاغذی سه گوشی به آن چسبیده بود. گفتم: «والا ما که این چیزا رو بلد نیستیم آقا. واضح و صادق همون اول گفتم، قرار بوده خونه رو بفروشیم که پولشو پس انداز کنیم یه پشتوانه ای باشه برای مادرم، خرجش از همین جا دربیاد. این چیزایی که شما می گی، برای ما آدمای ساده زیادیه.» گفت: «آره می دونم. شما باغچه زپرتی می خواین، ولی من دارم به شما بهشت می دم. حوض آب می خوای، ولی عوضش اقیانوس گیرت میاد. یه دنگ دو دنگ چیه! من همه خونه رو می خرم ازت، نقد. نه فقط حاج خانم، پولی بهت می دم که تا چند نسل بخورن و تموم نشه.» گفتم: «حساب اینا با کیه؟» روی میز به سمتم خم شد گفت: «تِیک ایت ایزی داداش! مثل اینکه سودا وصفرات کلاقاتی شده. قراره بری بشینی رو عرشه ها وانا با آدمای قلدر معاشرت کنی، اون وقت داری چرتکه می اندازی که این دوزار صنار رو قراره کی حساب کنه؟!» حس کردم آبرویم رفته و دارم از خجالت آب می شوم. دوتا تراول صدهزار تومانی گذاشت زیر آن دایره مشکی که دکمه هایی داشت برای صدا کردن پیشخدمت. گفتم: «صد و دوازده تومن شده.» نگاهم نکرد. رویش را گردانده بود سمت پیشخوان که دستگاه های قهوه ساز غول پیکر روی آن ردیف شده بودند. گفت: «باقی ش بمونه انعام بچه ها.» می دانم اگر مادر بود، حتما چند بار با آرنجش یا نوک کفشش بهم سقلمه می زد که مراقب حرف هایم باشم و این طوری آبروریزی نکنم. مشکل این بود که از این حرف ها آن قدرها هم سر در نمی آوردم، ولی با این همه، مادر اصرار داشت که خودم تنهایی بیایم اینجا برای این صحبت ها و نهایتا خودش برای امضای سند و کاغذهای انتقال مالکیت بیاید. مرد گفت: «با چی اومدی؟» گوشی را جلو رویش تکان دادم: «تاکسی اینترنتی گرفتم.» گفت: «زککککی! موقع برگشتن خودم می رسونمت که ببینی قراره چی سوار بشی. تازه از این بهتر هم گیرت میاد. اونجا هم رسیدیم، دوباره ملکو یه نگاه دیگه بندازم. اگرم مشکلی نیست، نصفشو نقدی می دم، با بقیه اش هم والتتو شارژ می کنم.» گفتم: «والت؟» گفت: «کیف پول دیجیتالت.» مادر حتما می گفت که این حرف ها قد و قواره ما نیست و بهتر است نرویم توی دهان گرگ اما موقعی که به یکی از خاله هایم زنگ زده بود، چیزی درباره پول های دیجیتال گفته بودند که دیگر کمتر به پروپاچه من پیچید و گفت با همین مشتری بیایم برای صحبت و معامله...

ادامه دارد